

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز

۲۲ نومبر ۲۰۱۶

اعترافات: و تهمت های سید؟ خلیل الله هاشمیان مدیر مسول مجله هاشمیان!

رد اتهامات هاشمیان که بتاريخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۶ در سایت افغان جرمن - انلاین نشر گردیده جناب آقای محترم ف هیرمند جرایم علیه امنیت عامه دولت را چنین تعریف، و تذکر داده مینویسد. 525- « به اعمال ارتكابی یی اختصاص یافته که - در فصل دوم همین باب قانون جزای افغانستان ۴۴ (ماده) ۵۹۴ بنام جرایم علیه امنیت داخلی دولت مسما گردیده است، دراین اعمال جرایمی نظیر براندازی مسلحانه نظام دولتی تعرض به حیات رئیس جمهور، مجبور ساختن رئیس جمهور [پاچا] به تصمیمی که موصوف ارادتاً موافق نباشد، دعوت و تحریک کردن اردوی افغانستان به قیام مسلحانه، و ده ها جرم دیگر که غالب آنها را جرایمی از نوعی ارتكاب توسط مؤظفین خدمات عامه یا مامورین و کارمندان دولت تشکیل می دهند،»

پس به اساس این تعریف و این مواد قوانین جزا و احکام قوانین مدنی، پدر و کاکا های آقای سید خلیل الله هاشمیان از جمله افراد بودند که در برانداختن حکومت ملی، علم پرور و اسلامی شهید محمد نادرخان و سردار محمد هاشم خان صدراعظم دست خود را به متمردين هر یک محمد افضل خان و محمد علم خان ، خانان شینوار که آنها به مدت شش ماه بطور چریکی به دولت ملی انوقت شهید نادرخان مسلحانه جنگیدند و بعد از شکست فاحش آنها به پاکستان متواری شده گریختند، اعضای فامیل آقای هاشمیان از قبیل پدر و کاکا وی به حیث مامورین دولتی انوقت دست خود را با افضل خان و علم خان شینواری به این جنایات کاران یکی کردند بودند. ولی خوشبختانه حکومت با درایت انوقت این اغتشاشگران خاین را سرکوب کردند، این دو برادران خانان شینواری هر یک ، علم خان و افضل خان بعد از شکست، شرم اور به بادران لاهوری پاکستانی پناه بردند، آنها به این کار شرم اور، شرم ابدی را به خاندان خود و خاندان آقای هاشمیان کمایی نمودند ، خاندان و فامیل هاشمیان بخصوص پدر هاشمیان و کاکا هاشمیان این ناشکران تعویذ نویس، کودگر، جادوگر و شوشست (خابنت نویسان) بانهم که سردار محمد هاشم خان به این فامیل در ان وقت زیاد امتیازات داده، ولی این غداران از ان اعتماد سو استفاده نموده بر علیه حکومت و دولت انوقت به اغتشاشگران پیوستند. و در نمکدان اب ریختند.

جای تعجب اینجا است که امروز آقای سید؟ خلیل الله هاشمیان مدیر مسول اینینه هاشمیان به چی افتخار از خیشاوندی به این فراریان و اغتشاشگران یاد اوری می نماید و از آنها پشتیبانی میکند. خجالت اور اینکه هاشمیان از داد و گرفت یعنی

در عقد در آوردن دختران و پسران یک ماه بین فامیل‌های خلیل الله هاشمیان و این خانان متمرّد شینواری از قبیل علم خان و محمد افضل خان دو برادر به چی غرور جاهلانه خود به این موضوع غیر شرعی و غیر انسانی که اینگونه وصلت‌ها هم در شریعت اسلامی هم در حقوق بشر و حقوق مدنی محکوم گردید. ولی جناب هاشمیان به چی افتخار از این وصلت یاد اوری مینماید .

خوانندگان گرامی، بخدا قسم اگر این گونه وصلت‌ها و پیوندها در بین مردم بومی که از سیولایزیشن شدن بوی نمیرد، نه شنیده و یا دیده باشم، این گونه و وصلت‌های فامیلی را بار اول از قلم آقای هاشمیان خواندم و با خبر شدم.

کفر اگر از کعبه خیزد کجا ماند مسلمانی؟

هموطنان گرامی. بخاطر وضاحت موضوع یعنی اعترافات شرم اور هاشمیان، و اتهامات که وی علیه بنده در این چند روز در سایت افغان – جرمن آنلاین نوشته بود جواب مقنی به این کودن و دزد گردنبد و جواهرات خانم مرحوم مارشال شاولی خان که در انوقت سفیر کبیر دولت افغانستان در کشور انگلستان بود، در انوقت آقای هاشمیان سکرتر سوم سفارت افغانی در لندن ایفای وظیفه مینمود. چون وی (هاشمیان) در ان دوزی دست بالا داشت بهمین خاطر مارشال شاولی خان هاشمیان از وظیفه رسمی دیپلوماتیک وزارت خارجه منفک نمود. غرض روشانی بیشتر موضوع میخوادم بالای چند مسله که آقای هاشمیان در نوشته ای خود به بر ضد و مخالفت من نوشته کمکی مکث نمایم و بخاطر رد ادعاهای دروغین وی چند کلیمه محدود را بنویسم.

الف - آقای هاشمیان خود و فامیل خویش را یکی از طرفداران و فدایان امان الله خان محسوب مینماید . اگر من واقعاً بفهمم که جناب هاشمیان و فامیل تعویذ نویس و کودگر، جادوگر و (شست شو) وی راستی طرفداران امان الله خان میبودند ایماناً یک کلیمه بر ضد وی و فامیل تعویذ نویس وی نمی نویستم، چون خوب میدانم که اعضای فامیل هاشمیان در وقت امان الله خان یک حاکم چولردر پکتیکا بود، ان فرد فامیل هاشمیان دست خود را همراهی مردم اغتشاشیون سلیمان خیل پکتیکا که انها طرفدارن بچه سقو و ملا لنگ و حضرات بودند یکی ساخته بود، پدر هاشمیان زیر پرده در بین مردم سلیمان خیل بر ضد امان الله خان تبلیغات سو می نمود،

ب - زمانیکه اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید قدرت را گرفت، مرحوم سردار محمد هاشم خان به پدر هاشمیان و کاکاهای وی موقیف‌های خوب داد، این فامیل هاشمیان کودگر بودند که قدر پاداش را ندانستید. راست گفتند. گرگ زاده گرگ شود گر چی به ادمی بزرگ شود. هاشمیان امروز خود را امانی می‌شمارد، این چطور میشود که یک فامیل هم امانی باشد و هم نادری، فامیل هاشمیان در زمان محمد نادرشاه و هاشم خان به دربار نادرخان بسیار مقرب بودند؟ نه هاشمیان، و نه فامیل هاشمیان تعویذ نویس در انوقت کدام افتخار عالی نداشت که باعث سر بلندی انها گردد، هاشمیان مجبور است که خود را در زیر نام نیک غازی امان الله خان بیچانید.

جناب هاشمیان. زمانیکه از دفتر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از روم بخاطر مصارف مجله شما پول میامد در ان وقت شما ظاهر شاهی بودید ولی وقتیکه چشمه ان پول سر شما خشک شد فوراً از ظاهرشاه روگردان شدید. و شما در سایت افغان جرمن – آنلاین نوشتید که من ظاهر شاهی نیستم،

جناب هاشمیان من (قاسم باز) در سال ۲۰۰۷ در کابل همراهی دو نفر که در انوقت در دفتر پادشاه فقید کار میکرد من از شما در مقابل ادعاهای انها از شما دفاع میکردم ولی انها برایم به اثبات رسانید که یک وقت از روم از دفتر شاه سابق بشما از دفتر شاه خرچ و مصرف مجله تان پول داده میشد.

هاشمیان در مورد سوال من که من ارتباطات وی را به حزب پرچم و رهبران ان حزب افشاه نمودم ، و از رفتن هاشمیان در مراسم فاتحه میر اکبر خیبر و از محافل شب نیشینی انها پرده برداشتم. هاشمیان در سایت افغان – جرمن

اتلاین مورخ ... در جواب من چنین نوشت. که بلی من به ببرک کارمل، سلیمان لایق، بارک شفیعی، نور احمد نور ارتباطات داشتیم از طرف روز در مکرویان باهم قدم میزدیم و بعضی اوقات آنها به منزل من میآمدند. آنها من را خوب درک کرده بودند که من یکی از مخالفین سرسخت محمد داوودخان ریس جمهور ان وقت هستم. من از خدا خود شکر گذارم که بمثل یک خرنوال و مدعی العموم ورزیده از شما در باره ارتباطات تان با حزب پرچم اعترافات کتبی گرفتم. ولی این را هم خوب میدانم که اعضای حزب پرچم از شما سو استفاده زیاد نمود، و در اخیر آنها شما را بمثل یک تیکه استعمال شده چنل شما را بدور انداخت، چون آنها فولاد های اب دیده بودند و آنها شما را خوب میشناخت.

این شعر ذیل را بخاطر شما کمکی دست کاری نمودم

دیدنی خشم قاسم را به هاشمیان چی کار کرد نقش که او را کار زد تاریخ زیر پا کرد

ج - هاشمیان بخاطر دوزیدن گردن بند خانم مرحوم مارشال شاه ولی خان از وظیفه سکرتریت سوم سفارت افغانی در انگلستان از وظیفه دیپلوماتیک منفک گردید. هاشمیان در مورد برطرفی از وظیفه رسمی شان از سفارت افغانی در انگلستان یک مکتوب رسمی مورخ ۲۵ فبروری که به امضای مرحوم مارشال سردار شاولی مزین است، وی بخاطر بی گناهی خود که در ان مکتوب از کرایه طیاره و یا کشتی تذکر رفته نشر نموده، ولی این آقای نمی داند که این گونه مکتوب ها به هر افغان که در نمایندگیهای افغانستان در بیرونی کار میکرد از طرف سفرا به تمام مامورین چی آنها معزول و برطرف، چی تبدیل می شدند داده میشد، هاشمیان بعد از گمشدن گردن بند خانم مرحوم مارشال شاولی خان در فرصت بسیار کوتا با خانم انگلیسی عروسی مینماید. در انوقت عروسی به یک خانم انگلیس مصرف زیاد کار داشت انهم بمثل کشور انگلستان.

د - هاشمیان در انوقت که از وزارت خارجه رانده میشود ، نمی گوید که سردار محمد نعیم خان در انوقت در وزارت خارجه چی کاره بود؟.

هه - هاشمیان تقرر من را بحیث خرنوال در وزارت عدلیه انوقت نفوذ پدرم را وانمود میسازد . ولی وی این را نمی گوید که قاسم باز بحیث یک افغان و بحیث یک فارغ التحصیل ریخته فلسفه حق داشت که بحیث یک خرنوال پایین رتبه مثل دیگر خرنوالان مقرر شود. من از آقای هاشمیان سوال دارم و میخواهم بدانم که جناب شما به کدام تحصیلات عالی در زمان صدارت مرحوم شاه محمود خان شامل ماموریت رسمی در وزارت خارجه شدید، به انهم که پدر و کاکاهای شما بحیث افراد متمرد به پنج و ده سال محکوم شده بودند، چرا من که پدرم دوست جانانه جانی شهید داوودخان بود من در مربوطات وزارت خارجه مقرر نشدم ولی برعکس شما شدید.

ر - هاشمیان بنده (قاسم باز) را بحیث وکیل مدافع مرحوم شهید محمد داوود خان قلم داد می نماید. هاشمیان انقدر ناتوان شده که فرق بین حقیقت گفتن افراد که دروغهای دیگران را بمردم ماده وار روشن و واضح میسازد. هاشمیان این عده اشخاص حقیقت گو را بنام وکیل الدعوی محمد داوودخان وانمود میسازد. اگر این ادعای مزخرف وی درست باشد پس داکتر صاحب سید عبدالله کاظم، جناب محترم استاد کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی، جناب دیپلومات ورزیده آقای عبدالجلیل جمیلی صاحب، جناب نجیب داوری صاحب، جناب آقای افغان صاحب، جنابه خواهر محترمه نصیبه اکرم حیدری ، آقای فواد ارسلا ، جناب خان اقا سعید و صدها تن دیگر تمام شان وکیلان و مدعی العموم محمد داوودخان میباشد.

من تا حال در هیچ مورد در باره شهید والامقام محمد داوودخان مرحوم زیاده روی و مبالغه نکردم بلکه از حقانیت وی در برابر دروغگویان مردانه وار دفاع کردم و میکنم. چرا و بخاطر چی هاشمیان و امثالهم هاشمیان که من دروغ های آنها را افشا میکنم بالای من نام وکیل الدعوی داوودخان می ماند. من به این اقا یون واضح میگویم که بلی محمد

داوودخان ولی نعمت من بود، من نمک خور ان بزرگوار هستیم، بنام شان افتخار میکنیم. به پیش خدمتی شان میبالم شکر خدا که در فامیل تعویذ نویس، شست شو، جادوگر مثل هاشمیان که در چشم مردم بیچاره بخاطر پول، روغن زرد، تخم، مرغ و گوسفند خاک می اندازد نیستم، من شکر در فامیلی کلان و تربیه شدم که نان شان ار راه حلال بدست میاورد، نه مثل هاشمیان. از راه تعویذ نویسی.

هاشمیان مدعی است که پدرم توسط آقای امین خوگیانی به سردار هاشم خان معرفی شده این یک دروغ شاخدار آقای هاشمیان است در انوقت که سردار محمد هاشم خان والی ننگرهار بود پدرم ده یا دوازده ساله طفل صغیر بود.

هاشمیان بخاطر اینکه خود را و پدر خود را چیزی تراشیده باشد میگوید که پدر قاسم باز همکار پدرم در ولسوالی خوگیانی بود. پدرهاشمیان در دوران صدارت هاشم خان حاکم خوگیانی بود پدرم در انوقت یاور و نظر به گفته هاشمیان شخص دوم ضبط احوالات بود، چون در انوقت موقیف پدرم از پدر هاشمیان به هزار مرتبه بالاتر بود و وظیفه پدرم در صدارت در کابل بوده چطور میشود که پدر مرحوم همکار پدر هاشمیان باشد. «غ لام زرلط (غلط)» ای کاش هاشمیان کمکی حیا میداشت.

ز- هاشمیان در جوابیه خود عنوانی من تنها یک اسم که محمد علم خان از نزد اعظم خان نوشته شده غلطی املایی من که من سهوا انرا نویستم دلیل رد ادعای خود نموده هاشمیان ناتوان صرف سهوا نوشتن نام یک شخص متمرد بنام محمد علم خان که من سهوا اعظم خان نویستم وی بخاطر حقانیت اینجانب این غلطی تاییدی مرا یک دلیل ثبوت رد ادعای خود قلم داد نموده .

این بیچاره انقدر ناتوان است که در یک جا پدرم را معاون ریاست ضبط احوالات قلمداد میکند در جای دیگر ناظر معتمد و در جای دیگر مستخدم و دروازه وان..من به هاشمیان میگویم که، آقای هاشمیان از این چی بهتر نیک نامی به من و فامیلم که پدرم وظیفه معاونیت ضبط احوالات را بخاطر یک دوست محترم خود رها نموده و مستخدمی را قبول میکند، این را گویند مردانگی صداقت و وفاداری به یک دوست. داکتر حسن شرق هم بخاطر مرحوم داوودخان که در انوقت حزب دیموکراتیک هیچ وجود نداشت به طرفداری داوودخان استعفا نمود و ده سال مکمل مرحوم محمد داوودخان از پول شخصی به وی معاش امرار حیات میداد.

هاشمیان دایبر بند ادعا میکند و بسیار طفلانه مینویسد که پدر قاسم باز نه وزیر بود نه معاون و غیره و غیره، آقای هاشمیان در تحول ۲۶ سرطان داکتر شرق رول خود را بازی نموده ، پاچا گل وفادار، ضیا مجید ، سید عبداللله، قدیر نورستانی و غلام حیدر رسولی هر کدام شان در رشته خود نقش بازی نموده تمام این افراد نظامی نبودند، این افراد فوق الذکر پدرم را بنام کلید تحول ۲۶ سرطان خطاب مینمود. تمام دید وادید کودتاچیان و پیغام ها به انها از طریق پدرم به اجرا گذاشته میشد، در شب ۲۶ سرطان ساعت ۱۱ نیم بجه شب پیش از انکه داکتر شرق و پاچا گل وفادار مخابره را به خانه محمد داوودخان بیاورد یگانه فرد پدرم بود که در پهلوی داوودخان ایستاده بود،

هاشمیان بی شعور و خر مگس به استناد کتاب خاطرات پدرم مینویسد، که پدر قاسم باز پیش خدمت داوودخان بود ، و داوودخان در ان شب ۲۶ سرطان کلید های خانه را به پدر قاسم باز داده و برایش گفته که برو تمام دروازه پشت اولادهایم قلف و ببند.

آقای هاشمیان در ان شب و در انوقت اگر سردار محمدنعیم خان یا داکتر حسن شرق هم بعوض پدرم پهلوی داوودخان میبود، مرحوم داوودخان ان کلیدها را به انها نیز میداد که برو پشت اولادهایم دروازه دهلیز خانه را قلف و ببندید. مثل این امر شاید مرحوم داوودخان هزاران امر بالای پدرم نموده باشد، در انوقت پدرم فوق داوودخان نبود. ولی افسوس به این استدلال طفلانه دایبری شما.

اقای هاشمیان. از دوست محترم تان جناب داکتر حسن شرق بپرس، وقتیکه یکنیم ماه بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان برادرم عبدالمجید باز که از فرقه ۱۱ هرات، مرحوم داوودخان وی را بخاطر خود از انجا به حیث سریاور خود مقرر نمود، بعد از ان وقت که برادرم اشغال وظیفه نمود پدرم هفته یکبار انهم روز جمعه برای یک ساعت یا دو ساعت بخانه داوودخان میرفت، این چی قسم شخص مستخدم است که هفته یک بار برای یک ساعت مستخدمی کند. من به جاروب کشی خانه داوودخان افتخار میکنم چی رسد به ناظر بودن یاور بودن مستخدم بودن، شکر خدا را میلیون بار ادا میکنم که پدرم تعویذ نویس، و کودگر نبود.

ط. - اقای هاشمیان من در نوشته خود صرف از محافل شب نیشینی شما به اعضای حزب پرچم و رفتن شما به فاتحه میر اکبر خبیر یادآوری نمودم، شما نتنها این موضوع را رد نکردید بلکه مردانه وار از ارتباطات خود به این حزب روشنی انداختید که من ممنون این کار شما شدم. یک شاعر پشتو زبان میگوید.

ما خو درته وی چی صرف د شنوونه بی خوند واخله تا خو ورته شیخه ټوله زنه لمده کری ده

ظ - اقای هاشمیان در ماه نوامبر سال گذاشته ۲۰۱۵ در دریچه نظرسنجی افغان جرمن - انلاین بخاطر ضمانت پدرم که ان ضمانت باعث رهایی پدر و کاکا هاشمیان در زمان صدارت سردار هاشم خان از زندان صدارت شده بود. اقای هاشمیان بخاطر ان کمک پدرم در روز تینکس گیبینگ امریکا که یک روز شکران به امریکاییان است از من قاسم باز بخاطر ان کمک پدری من سپاس گذاری نموده بود که من متقابلاً از اقای هاشمیان تشکری نمودم، جناب اقای هاشمیان در ان پیغام از من خواهش نموده بود اگر من کتاب خاطرات پدرم را به وی ارسال نمایم، ان نوشته اقای هاشمیان از دریچه نظر سنجی فعلاً حذف شده، من به پاس ان نوشته جناب هاشمیان که بین من و وی چند ایمیل ارسال شده بود وی در یکی از ان ایمیل های خود اعترافات متهمین کودتای اقای میوندوال از من خواسته بود، چون من ایمیل شانرا داشتم بمجرد که پنج جلد کتاب خاطرات پدرم توسط یکی از خیشاوندان ما و دوست صمیمی من اقای شاه محمود میاخیل از کابل برابم رسید من فوراً به اقای هاشمیان ایمیل ارسال کردم و از وی نظر به درخواست وی ادرس پوستی وی را مطالبه نمودم، وی ادرس پست بکس خود را بمن ارسال و من یک جلد کتاب خاطرات پدرم را بوی ارسال نمودم. بعد از رسیدن کتاب خاطرات پدرم اقای هاشمیان برابم چند جلد رساله در باره خط نام نهاد دیورند و یک نامه شخصی که بقلم اقای هاشمیان تحریر گردید بود و کاپی ان تقدیم شما خوانندگان گرامی است ارسال نمود. جناب هاشمیان در جوابیه خود بر ضد ادعای من نوشت که من به قاسم باز هیچ نامه و درخواست کتاب خاطرات پدر قاسم باز را از طریق ایمیل نه نمودم و اگر قاسم باز این ادعای خود را ثابت ساخت من به سایت افغان - جرمن آنلاین جریمه می پردازم. اینست ایمیل من، و اینست جواب ایمیل اقای هاشمیان. اینکه اقای هاشمیان از این موضوع مثل موضوعات دیگر چشم پوشی میکند کار وی است، من قضاوت را بشما خوانندگان میگذارم. اینک نامه اقای هاشمیان به قاسم باز.

برادر ارجمند کفر محترم علی باقر
 صلوات و تحننات نیک مرا بپذیرید -
 کتاب ارسال شما خواندم - نویسنده آن
 شخص جوان و کم تجربه معلوم شود - زنجار در مسائل
 تاریخی کافی دارد و نمیتواند بگوید برخی مسائل را
 بیگانه و بیسابقه منقذات ناقص خود از برای آن
 است . از آنجمله میگویم او در مورد خط و قلم
 مکتب نیست . مکتب کتاب درین باره است از برای
 گروهی که آنرا میخوانند . چرا بنده و کدها بیشترش نویسنده
 کتاب قرار دهم ، صفای تاریخی را منتقد کرد .
 در جلد کتاب تاریخ عربی لال که مستندترین اثر است
 در باره تاریخ شکرگشتی انگلیس به ایران در آن مطالعه شد
 تقدیم است . هرگز این کتاب را بیدار نشانی .
 امیدوارم زودتر چرا مطالعه این کتاب را بیدار کرده بهتر است
 با احترام
 ۲۰ خرداد ۱۳۹۵

اینک ایمیل آقای هاشمیان به قاسم باز



ع - من در ضمن اعتراضات که بالای هاشمیان داشتم به وی نویشتم که شما در طول سی سال گذاشته همیشه داکتر شرق را کمونست، کی جی بی و یار غار میگفتید، چی شد که در این دو سه سال از وی دفاع میکنید، وی در جواب من که در افغان - جرمن آنلاین موجود است چنین استدلال نمود. آقای هاشمیان شما میگوید که سالهای قبل داکتر محمد حسن شرق را خوب نمی شناختم هر چی که درباره وی نویشتم نویشتیم ، ولی حالا که وی را شناختم وی ادم خوب است. حالا شما خوانندگان گرامی قضاوت نماید، این را گویند عذر بد تر از گناه.

غ - هاشمیان پرچم دار در مورد کم جلوه دادن مرحوم محمد داوودخان از ذهن کثیف و مریض خود چنین ادعا طفلانه مینماید وی میفرماید، که مرحوم شهید محمد داوودخان تا صنف ۹ مکتب را در فرانسه خواند تحصیلات بلند تر نداشت، ولی این اقا از ریشه مهندسی که مرحوم سردار محمد داوودخان در فرانسه خوانده بود چشم پوشی میکند. بلی آقای هاشمیان تنها یک سردار محمد داوودخان نبود که بعد از فراغت از مکتب حریبه جنرال شد دیگران نیز مثل وی در انوقت جنرالان شدند. فکر میکنم که پدر خواهر محترم زهره جان یوسف، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ووو نیز شامل این کتگوری افراد بودند.

اگر جناب آقای هاشمیان لطف نماید برایم بگوید اول تحصیلات پدر وی چی بود که حاکم یا ولسوال شده . دوم اگر وی لطف کند برایم بگوید که امیر دوست محمد خان، امیر شیرعلی خان، امیر افضل خان، امیر عبدالرحمن خان، امیر حبیب الله خان، امیر امان الله خان. محمد نادرشاه شهید، اعلیحضرت ظاهر شاه، نورمحمد تره کی چی تحصیلات داشتند، و درجه تحصیل آنها چی بودند ممنون میشوم.

اقای هاشمیان بهتانگر، دروغگوی بینظر، کودن و دزد حرفوی. این آخرین نوشته من در باره شما خواهد بود، دیگر نمی خواهم که وقت گرانبهای خود و خوانندگان محترم را بخاطر رد ادعاهای مزحرف شما ضایع سازم. همچنان نمی خواهم که حیثیت خود را به درجه شما تنزل دهم و پایین بیاورم، افسوس به نام کلیمه داکتر و پوهاند میکنم .
اجمل ختیک وایی.

چی دینمن می ژبه غوڅه کړه تیره شوه چی تیره شوله خو بیا هومره خوړه شوه

اوس که نر وې نو غوړونه دی خپل پری کړه چی زما نغمه سره نشوه لا سره شوه

بی زر با، بی زیر بی، بی پیشیو، با بی بو.

۲۱ نومبر ۲۰۱۶

یادداشت:

مطلب همکار گرامی ما آقای "باز" از آن جانی که پولیمیک با یک جاسوس معلوم الحال است و می باید اصالت آن حفظ گردد، ما از ویراستاری آن خود داری ورزیدیم.

اداره پورتال AA-AA